
Sourceology of Historical Studies on Iranian Architecture

Mahdiyeh Yaldayi¹, Mohsen Abbasi Herafteh^{2*}

¹ M.Sc. in Iranian Architecture Studies, Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

² Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

(Received 13 May 2021, Accepted 2 Aug 2021)

Researchers require appropriate resources to conduct researches. In historical studies, data can be extracted only from these resources. Thus, in historical research especially in historical studies on architecture, the importance of these resources is doubled. Notwithstanding the resources of architectural historiography in Iran are very rare, since the architecture is considered as Container of life, it is almost not a resource that does not provide information about architecture. Therefore, this extent of resources makes identifying and organizing them to research in the history of Iranian architecture very rigorous. On the other hand, regarding the research of the history of Iranian architecture, researchers are faced with a wide range of unknown resources related to all aspects of human life, which makes risk of drowning in the ocean of information ahead. Thus, it seems to be necessary to identify and organize the resources of Historical Studies on Iranian Architecture. Recognizing the resources and understanding the dimensions, levels, species, and priorities for referring to them can reduce the time costing on the one hand and increase the validity of the data on the other hand. In this article, it has been tried to provide a clear view of the resources of historical studies of Iranian architecture. Based on the study of the background of the researches, the lack of theory, theoretical framework and conceptual model in this field was obvious and there were no coherent research results to identify the sources and discover the logical and hierarchical relationship between them from inductive strategy and specifically method. Therefore, the method of grounded theory was used to reach purpose of the research by focusing on the academic studies of the last four decades in the field of Iranian architectural studies. The discussion begins

with what the resource is and definitions of it. Then, based on the literature on the subject of famous species of historical studies on Iranian architecture resources are introduced and then, based on the extracted codes, the species identified by this research are presented and completed. Depending on the type of expression, the time interval to the subject, the accuracy and the level of superficiality or depth of information and the degree of validity, several categories can be defined as the resource in the field of historical studies on Iranian architecture, which are generally dual. These dualities include; first- and second - hand resources, specialized and general resources, artistic and non-artistic resources, and explicit or implicit resources. In addition, there is a classification of resources in terms of the type of expression, which is also divided into two general categories of written and unwritten. By identifying and classifying these resources based on the mentioned method, a new formulation of the resources under the central concepts was done and finally three basic concepts for the types of the classified resources were introduced including: expression, time and depth of information. These three key concepts of expression, time and depth were identified as the basis for organizing the resources of historical studies on Iranian architecture and seven main types of them were introduced. These three concepts and seven categories include various levels and dimensions of resources and provide a proper tool for researchers to identify, categorize and prioritize in referring to the resources of historical studies on Iranian architecture.

Keywords: Historical studies of architecture, Resources, Iranian Architecture.

* Corresponding author. E-mail: abbasi@yazd.ac.ir



منبع‌شناسی مطالعات تاریخی معماری ایران

مهديه يلدایي^۱، محسن عباسی هرته^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، گروه معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. استادیار دانشکده هنر و معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، یزد، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱)

چکیده

پژوهشگران برای انجام پژوهش به منابع متناسب و مناسبی نیاز دارند. در پژوهش‌های تاریخی اهمیت این منابع دوچندان می‌شود؛ زیرا داده‌ها (شواهد و قرائن) تنها از درون این منابع قابل احصاء هستند. از سویی در خصوص پژوهش‌های تاریخ معماری ایران، از آنجاکه معماری ظرف زندگی است، پژوهشگران با طیف وسیعی از منابع، به گستردگی همه شئون مرتبط با حیات انسان مواجه هستند که کار را بسیار دشوار می‌کند. شناخت منابع و آگاهی از ابعاد، سطوح، گونه‌ها و اولویت‌های مراجعه به آن‌ها می‌تواند چراغ راهی برای کاهش هزینه‌های متنوع پژوهش از یک سو و افزایش اعتبار داده‌ها از سوی دیگر باشد. در نوشتار حاضر از روش نظریه‌مبنایی (گراند‌تئوری) استفاده و سعی شده است با تحلیل منابع پژوهش‌های دانشگاهی چهار دهه اخیر کشور در حوزه مطالعات معماری ایران، تصویری شفاف از نظام به کارگیری این منابع ارائه شود. بحث با چستی منبع به عنوان محل حضور و ظهور داده‌ها آغاز و با تکیه بر ادبیات موضوع، گونه‌های موجود منابع معماری تاریخی ایران معرفی شد؛ سپس مبتنی بر کدهای استخراج شده از سه مرحله کدگذاری منابع پژوهش‌های دانشگاهی بعد انقلاب، گونه‌های شناسایی شده در مرحله قبل تکمیل شد. نتایج تحلیل مذکور، حکایت از آن دارد که سه دال اساسی شامل زبان، زمان و ژرفا نقش اساسی در صورت‌بندی منابع مطالعات معماری ایران داشته‌اند. بر مدار این سه مفهوم کلیدی (زبان، زمان و ژرفا) به عنوان مبنای سازماندهی منابع پژوهش‌های تاریخی معماری، ده (۱۰) گونه‌بندی اصلی معرفی شدند. این سه مفهوم و ده دسته ذیل آن، سطوح و ابعاد متنوع منابع را شامل می‌شوند و ابزار مناسبی را برای شناخت، دسته‌بندی و اولویت‌بندی پژوهشگران در رجوع به منابع مطالعات تاریخی معماری ایران در اختیار قرار می‌دهند.

واژگان کلیدی

مطالعات تاریخی معماری، منابع، منبع‌شناسی، معماری تاریخی ایران.

مقدمه

می‌شوند و شناخت درست منابع و رجوع به منابع صحیح و دارای اولویت، نه تنها می‌تواند هزینه‌های مختلف پژوهش را کاهش دهد که می‌تواند حتی صحت یافته‌ها را هم ضمانت سازد. بر همین اساس، با چشم‌انداز رسیدن به نظام روشنی در نسبت بین سؤال پژوهش و ماهیت منابع پژوهش و نظام سلسه‌مراتبی ارزش‌دهی به منابع و با هدف تبیین نظام منبع‌شناختی مطالعات تاریخی معماری ایران، پرسش اصلی این مقاله این است که منابع مطالعات تاریخی معماری ایران کدام هستند؟ و بر چه اساسی می‌توان آن‌ها را شناسایی، دسته‌بندی و اولویت‌سنجی کرد؟

برای پاسخ به سؤال پژوهش، نظر به اینکه مبانی نظری لازم وجود نداشت، راهبرد استقرایی انتخاب شد. پژوهش‌های دانشگاهی اخیر در حوزه مطالعات معماری ایران، احصاء شد؛ علاوه بر این در قالب رجوع به ادبیات موضوع، پژوهش‌هایی به دست آمد که به‌طور عام یا خاص حوزه مطالعات تاریخی معماری ایران، به‌صورت پراکنده یا منفرد (تمرکز بر منبعی خاص) به مقوله منابع پرداخته بودند. پس از جمع‌بندی یافته‌های منبع‌شناختی حاصل از ادبیات موضوع، به بررسی پژوهش‌های دانشگاهی اخیر پرداخته شد تا یافته‌های به دست آمده از مرور ادبیات موضوع، تکمیل و توسعه داده شود. نحوه مراجعه آن‌ها به منابع، نوع منابع، نسبت بین حوزه پژوهش و جنس منبع و اولویت‌های منبع‌شناختی آن‌ها در قالب روش نظریه‌مبنایی کدگذاری شد و نهایتاً سعی شد در قالب نظام سلسله‌مراتبی کدگذاری باز، محوری و انتخابی نتایج تحقیق انشاء شود.

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با شناخت منابع مختلف قابل‌استفاده در پژوهش‌های مربوط به مطالعات تاریخی معماری، مقالات مختلفی با تمرکز بر یک نوع منبع مانند اقسام منابع مکتوب همچون کتیبه و یا منابع تصویری همچون نگارگری و نقاشی و عکس در نسبت با پژوهش‌های معماری و تاریخ معماری

در فرهنگ‌های نامدرن نظیر ایران دوره سنت، منابع مختص معماری بسیار اندک است (Ghayyumi Bidhendi 2009) و این وضع چه در غرب سنتی و بیشتر از آن در ایران سنتی صادق است (Gholejani Moghaddam 2003). درمقابل، از آن جهت که هر چیزی به‌طور بالقوه می‌تواند منبع پژوهش در مطالعات تاریخی معماری باشد، دشواری دیگر مطالعات تاریخ معماری، گستردگی و پراکندگی منابعی است که بالقوه در هر موضوعی در این حوزه وجود دارد. معماری ظرف زندگی انسان است، بنابراین در بسیاری از منابع تاریخی می‌توان ردپایی از معماری را جست. زیرا آن‌ها راجع به بخشی از زندگی انسان صحبت می‌کنند و کم‌تر متن تاریخی یافت می‌شود که عاری از اطلاعات معمارانه باشد (Gholejani Moghaddam 2003).

مسئله است که برای انجام پژوهش و رسیدن به پاسخ سئوالات پژوهشی نمی‌توان به سراغ حجم عظیمی از منابع متنوع رفت، بلکه هنر و مهارت پژوهشگر در این است که منابع مناسب‌تر، مرتبط‌تر و حاوی داده‌های کمی و کیفی بیشتر را انتخاب کند و از مسیری کوتاه‌تر و غنی‌تر به پاسخ برسد. از سوی دیگر بعضاً مشاهده می‌شود که قسم بسیار گسترده‌ای از منابع ارزشمند و دارای اولویت حسب سؤال پژوهش، مانند منابع شفاهی به علت سهولت دسترسی به منابع موازی کم اولویت‌تر، مورد غفلت واقع شده‌اند و پژوهشگران تازه کار به منابع دم دستی که اعتبار و صدق کم‌تری دارند، بسنده می‌کنند. همه این موارد لزوم نظامی منبع‌شناختی را برای این حوزه نسبتاً نو پا در معماری ایران دوچندان روشن می‌سازد تا چراغی در مسیر غنای پژوهش‌های تاریخی معماری ایران باشد.

با توجه به اهمیت حوزه روش‌شناسی در پژوهش‌های تاریخی معماری و جایگاه ویژه منبع‌شناسی در ذیل مقوله روش‌شناسی ضرورت دارد این حوزه مغفول‌بتر و بیشتر در مرکز توجه قرار گیرد تا ابعاد مختلف آن روشن شود. داده‌ها به‌عنوان سلول‌های بنیادین و مبنای پژوهش‌های تاریخی معماری از دل منابع می‌جوشند و استخراج

میان‌رشته‌های معمولاً از موضع رشته‌های خارج از معماری تعمق بیشتری در جنبه‌های هنری یک اثر هنری و یا کالبد عینی آن به‌مثابه منبع داشته‌اند؛ «اسطوره‌زدایی و اسطوره‌زدایی کاخ خورنق در نگاه نظامی و بهزاد» (Namvarmotlagh 2003) چگونگی ارتباط دو متن شعر و نقاشی در بستر معماری را مورد بررسی نشانه‌شناختی قرار داده و یک مینیاتور را از نگاه هنر و نوع اطلاعات مستخرج از آن موشکافانه بررسی کرده است. مقاله «حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه حفاظت در ایران» (Abuyi & Nikzad 2017) نیز بناهای تاریخی را منبع پژوهش خود معرفی می‌کند و با هدف و رویکرد حفاظتی نگاهی کاربردی به تاریخ معماری دارد و آن را دستمایه‌ای برای حفظ و احیای ابنیه تلقی می‌کند.

پژوهش‌هایی در زمینه روش‌شناسی پژوهش، عمدتاً با محوریت علوم انسانی نیز موجود هستند که به لحاظ کمی گسترده‌ترین مباحث موجود در رابطه با مبحث حاضر را شامل می‌شوند. از آنجایی که منبع‌شناسی زیرمجموعه‌ای از روش‌شناسی محسوب می‌شود در این کتب به‌طور گسترده به روش‌های استخراج داده از انواع منابع به‌خصوص منابع شفاهی و مکتوب پرداخته شده است. از جمله این منابع می‌توان به «درآمدی بر تحقیق کیفی» نوشته (Flich 2014) اشاره کرد که در فصول آخر به داده‌های شفاهی و چندکانونی و تحلیل متون و مواجهه با منابع در جهت تولید داده‌های پژوهشی تمرکز داشته است. کتاب‌های روش تحقیق در معماری نیز که چند نمونه آن تحت همین مضمون مانند «درآمدی بر روش تحقیق در معماری» (Heydari 2018) و «روش‌های تحقیق در معماری» (Wong & Grout 2017) منتشر شده‌اند، در کنار پرداختن به روش، راهبرد و تکنیک‌های تحقیق، گریزی به منابع نیز زده‌اند که از یافته‌های آن‌ها نیز در این مقاله استفاده شده است.

در خاتمه، نکته قابل ذکر آن است که بحث منبع‌شناسی تاریخی معماری ایران به‌صورت مستقل تقریباً مورد بحث و بررسی قرار نگرفته و همواره در ذیل موضوعاتی چون روش و روش‌شناسی مورد اشاره قرار گرفته است علاوه بر

ایران نوشته شده است. مقاله «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آن‌ها» (Gholejani 2009) با تمرکز بر منابع مکتوب درجه اول تاریخ معماری ایران، شیوه جستجو در آن‌ها را مورد بحث قرار داده است. نقاشی ایرانی در مقام منبع تاریخ معماری ایران» (Heydarkhani 2015) به‌مثابه گزارشی علمی به شناخت ظرفیت‌ها و اطلاعات قابل استخراج از نقاشی ایرانی (مینیاتور) و جایگاه انواع نگاره‌ها در مطالعه تاریخ معماری پرداخته است. مقاله «روایت معماری در بیان عکاسی؛ مراتب معنا در عکس معماری» (Zeynalzadeh & Kabirsaber 2017) نیز مناسبات هنر عکاسی و هنر معماری را مورد تمرکز قرار داده و نقش عکاسی معماری را به‌عنوان منبعی در رسیدن به داده‌های معمارانه بررسی کرده است. مقالاتی چند، در این زمینه در مجلات خارجی با تمرکز بر نه تنها مطالعات تاریخی منبع، بلکه رابطه دو حوزه فوق، نگاشته شده‌اند.

علاوه بر این پژوهش‌ها که انواع منابع را در نسبتی با پژوهش‌های مربوط به معماری و معماری تاریخی با رویکردی تفکیکی مورد بحث قرار داده‌اند، تلاش‌های دیگری نیز هستند که به توصیف کلی از منابع و داده‌های مندرج در آن‌ها پرداخته‌اند. از جمله این آثار، «نظری به نقشه‌های قدیمی ایران» (Alaei 1992) از باب منبع به نقشه‌های تاریخی پرداخته و نقشه‌های قدیمی و نقشه‌های جدید را مقایسه کرده است. در این مقاله اشاره شده است که نوع اطلاعات نقشه‌های قدیمی بیش‌تر هنری و فرهنگی است، برخلاف نقشه‌های جدید که اطلاعات جغرافیایی و فنی ارائه می‌دهند. «کتیبه و کتیبه‌نگاری» (Khanipour 2004) نیز به توصیف کتیبه‌های باستانی ایرانی و اطلاعاتی که هرکدام به‌طور مستقیم حاوی آن هستند، می‌پردازد. در «تاریخ‌شناسی معماری ایران» (Gholejani 2003) نیز نویسنده در ذیل مبحث منابع مادی تاریخ و معماری، از اشیاء و بناها به‌عنوان منابع جدی در حوزه مطالعات تاریخ معماری ایران سخن به میان می‌آورد.

بخشی از پژوهش‌های مرتبط نیز با رویکرد پژوهش

این ضرورت دارد نتایج تحقیقات صورت گرفته که به صورت پراکنده و با رویکرد تفکیکی انجام شده‌اند، گردآوری و سازمان‌دهی گردند؛ در این مقاله سعی شده این فرا تحلیل در قالب پژوهشی مستقل صورت پذیرد.

۲. روش پژوهش

مسئله پژوهش حاضر شناخت منابع مطالعات تاریخی معماری ایران و کشف نظام اولویی و ارتباطی آن با پژوهش است. گره‌گشایی از این مسئله، مستلزم فهم چستی منبع در معماری به‌طور عام و مطالعات تاریخی معماری ایران به‌طور خاص است. نظر به اینکه بر اساس مطالعه پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته فقدان نظریه، چارچوب نظری و مدلی مفهومی در این زمینه مشهود بود و نتایج پژوهشی منسجمی وجود نداشت، برای شناخت منابع و کشف رابطه منطقی و سلسله مراتبی بین آن‌ها از راهبرد استقرایی و مشخصاً روش نظریه‌مبنایی (داده‌مبنا) استفاده شده است. این فرایند (نظریه‌مبنایی) دربرگیرنده یک طرح هدایت‌شده به‌وسیله داده‌ها است که با نمونه‌گیری نظری صورت می‌گیرد (Strauss & Corbin 2006) و می‌تواند به چارچوب‌های نظری مطلوب منجر شود.

برای یافتن پاسخ پرسش پژوهش حاضر، ابتدا از طریق بررسی ادبیات موضوع، اطلاعاتی که در خصوص جایگاه منابع پژوهش به‌طور عام و به‌طور خاص در زمینه تاریخ معماری ایران بود، با استفاده از روش مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش، شناسایی شد. در ادامه، پژوهش‌های دانشگاهی صورت گرفته در حوزه مطالعات تاریخی معماری ایران که به زبان فارسی در چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران منتشر شدند، از طریق مراجعه به منابع مکتوب و پایگاه‌های الکترونیک داده‌ها، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شد؛ به‌طور مشخص مقالات علمی-پژوهشی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران، مبنا قرار داده شد. درنهایت، نحوه مراجعه این پژوهش‌ها به منابع، نوع منابع، نسبت بین حوزه پژوهش و جنس منبع و اولویت‌های منبع شناختی آن‌ها در قالب روش نظریه‌مبنایی

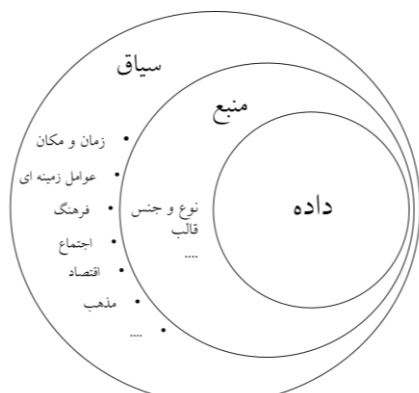
کدگذاری شد. استخراج داده‌ها و فرایند کدگذاری باز تا مرحله اشباع نظری پیش رفت و در قالب نظام سلسله مراتبی کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به یک نظام طولی و عرضی از منابع و مدل مفهومی در این رابطه منتج شد.

۳. چستی منبع

در واژه‌نامه‌های فارسی، منبع به معنای سرچشمه و صیغه اسم ظرف است (Dehkhodaa). نکته ظریف و مهمی در ظرف و حاوی بودن مفهوم منبع پنهان است و آن اینکه منبع، ظرف و داده یا اطلاعات مظروف آن هستند. منبع برای این به کار می‌رود که اطلاعات موردنیاز پژوهش از آن حاصل شود. هرچند منبع در پژوهش، تعریف شناخته‌شده‌ای را دارد اما به‌واسطه اهمیت‌ی که در پژوهش‌های تاریخ معماری به‌عنوان یگانه مرجع کسب داده‌های تاریخی دارد، می‌تواند تعریف اختصاصی داشته باشد. از این رو منبع در مطالعات تاریخی معماری، محل حضور و ظهور داده‌ها، مشخصاً شواهد و قرائن، است که می‌تواند از منظرهای مختلف، دسته‌بندی‌های متنوعی را شامل شود که به اهم آن‌ها در ادامه پرداخته خواهد شد.

چیزی که در ابتدای امر مهم است، نسبت منبع با مفاهیم همسایه آن است که بی‌توجهی به این امر سبب می‌شود خلط معنی و برداشت، اتفاق بیافتد؛ مفاهیمی مانند مدرک، سند، مأخذ و مرجع از این جمله هستند. باید اشاره داشت که در ادبیات پژوهش منبع اعم و فراتر از همه مفاهیم همسایه‌اش به شمار می‌رود. برای مثال مدرک که گاه به‌جای منبع از آن استفاده می‌شود در واقع زیرمجموعه‌ای از منابع می‌تواند تلقی شود و تعریف محدودتری دارد؛ یا سند که گاه به‌جای منبع به کار می‌رود، در این حوزه شامل کلیه فرمان‌های سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات، نوشته‌های اداری اسناد قضایی و مالی و حقوقی، گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی و برخی مکاتبات خصوصی و دوستانه و خانوادگی است که در قدیم به آن‌ها سلطانیات، دیوانیات و اخوانیات می‌گفتند (Ghaemmaghani 1971). اسناد، مدارک صوتی و

در اینجا متن، منابع را نیز شامل می‌شود و زمینه نیز بخشی از فرامتن محسوب می‌شود.^۱ بنابراین قرائت درست منابع برای رسیدن به داده‌هایی اصیل، مستلزم دانش و بینش فراتر از خوانش صرف متن (منبع) است. ماهیت این دانش، تجربه و مهارت حاصل از آن و چگونگی دست یافتن بدان، خود مقوله مستقلی است؛ در اینجا از باب تذکری مهم در حوزه منبع‌شناسی بدان اشاره شد.



تصویر ۱: معنا یافتن داده‌ها در سیاقی که منابع در آن شکل گرفته‌اند

Fig. 1: The role of context in data meaning

۳-۲. شاهد، قرینه و بقیه

در مطالعات تاریخی به‌طور عام، داده‌ها به‌مثابه شواهدی هستند که دریچه‌های جدیدی را به هزارتوی تاریخ باز می‌کنند و سر نخ تازه‌ای را در اختیار می‌گذارند. به همین دلیل هم بیشتر از «شاهد» به‌جای داده استفاده می‌شود. در پژوهش‌های تاریخی معماری، به دلیل اهمیت ویژه شواهد مادی که بقایای ابنیه و اشیای به‌جامانده از گذشته هستند، «بقیه» موضوعیت جدی پیدا می‌کند. در این پژوهش، اهمیت یک بنای تاریخی باقی‌مانده گاهی بیش از یک سند مکتوب دست‌اول است (Samaran 1991). در همین راستا این آثار را «بقایا» و در شکل مفرد آن «بقیه» می‌گویند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد منبع ظرف و حاوی داده است. در نتیجه بقیه، همان منبع مادی (مصنوع) است که اطلاعاتی در رابطه با گذشته در اختیار قرار می‌دهد.

داده‌های تاریخی از حیث قوت دو قسم هستند؛ شواهد و قرائن. شاهد، آشکارا و مستقیماً بر رویدادی دلالت می‌کند؛ به دیگر سخن به آنچه با آن بتوان وجود چیز دیگر را اثبات

تصویری را شامل نمی‌شود و این یک اشتباه و یا اشتراک لفظی در کاربست واژه سند و مدرک به‌جای یکدیگر است. مرجع، واژه دیگری است که به‌جای منبع به کار می‌رود و همان منبع است در مقام ارجاع، حال آنکه بسیاری از منابع وجود دارند که مورد ارجاع قرار نمی‌گیرند ولی به‌صورت غیرمستقیم و حتی ناخودآگاه الهام‌بخش مورخ بوده‌اند. در همین راستا مأخذ، از منظر محل اخذ داده‌ها و اطلاعات، مورد توجه است. بنابراین آن چیزی که تحت عنوان منبع در این پژوهش مورد نظر است، اعم از مفاهیم همسایه آن است.

۱-۳. "داده" و اهمیت "سیاق" در قرائت منبع

در مطالعات تاریخی معماری، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به سئوالات، نه از طریق تولید، همان‌گونه که در پژوهش‌های تجربی، آزمایشگاهی و پیمایشی رایج است، بلکه از طریق یافتن و استخراج از منابع، دستمایه پژوهش قرار می‌گیرند. بدین ترتیب لازمه ورود به مبحث منابع، تعریف و شفاف کردن رابطه داده، منبع و سیاقی است که منبع در آن تولید شده است.

همان‌گونه که گفته شد، ظرف داده‌های پژوهش به شمار می‌رود. این تعریف ساده نکته ظریف بسیار مهمی را در ظرف و حاوی بودن مفهوم منبع آشکار می‌کند. به عبارتی منبع ظرف است و داده یا اطلاعات مظروف. مظروف (داده) تابعی از ظرف (منبع) است و از سیاق و زمینه (Context) آن پیروی می‌کند. یعنی توجه به جنس و نوع منبع و یا قالب آن و کسب مهارت‌های مورد نیاز برای فهم آن پیش نیاز استفاده از داده‌ها و اطلاعات هستند. از طرفی، داده‌های مستخرج از منابع را نمی‌توان فارغ از عوامل زمینه‌ای و سیاقی شامل زمان، مکان و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی که منبع در آن شکل گرفته است، تفسیر و تفهیم کرد. به عبارتی هنرهای سنتی و به‌طور کلی فرهنگ سنتی و محصولات آن چونان معماری بر اساس پیوستگی عمیق و درونی عناصر گوناگون متنی، فرامتنی بروز یافته است (Namvar Motlagh 1390)؛

کرد، شاهد گویند (Amid Dictionary). شاهد، در مطالعات تاریخی، داده‌ای است که بر رویداد یا پدیده‌ای تاریخی شهادت دهد یا دلالت کند. شاهد، در بطن موضوع تاریخی حضور دارد و بر امری گواه است. بنابراین، دلالتش بر رویداد صریح است؛ برای مثال در مطالعات تاریخ معماری ایران، بناها خود شاهد هستند. شواهد تاریخی انواع متنوعی دارند که هرکدام در مطالعات تاریخی معماری کارکرد خود را دارند (Wong & Grout 2017)؛ و البته معتبرترین آن‌ها در موضوع موردنظر مقاله، شواهد مادی یا همان بقایا هستند.

اگر داده‌ای باشد که دلالتش بر رویداد معماری صریح نباشد، بلکه تلویحی، ضمنی یا حاشیه‌ای باشد، به آن «قرینه» گفته می‌شود. قرینه حالتی است که با یک متن (در اینجا متن تاریخی) پیوند دارد (MohagheghDamad & ShahnoushForushani 2019) اما با آن یگانه نیست. قراین، بر رخداد یا پدیده تاریخی نشانی می‌دهند، سرنخ‌های ارزشمندی هستند ولی در آن موضوع تاریخی حضور مستقیم و دلالت بی‌واسطه نداشته‌اند. از تأمل در معنای لغوی این دو کلمه مشخص است که شاهد، چیزی است که مشخصاً شهادت می‌دهد ولی قرینه، با موضوع تاریخی، مقارنت و اتصال داشته و نه لزوماً حضور مستقیم در بطن آن داشته است. اساساً قرینه در لغت به معنای اتصال دو چیز است (همان)؛ گاهی در موضوع پژوهش شاهد یافت نمی‌شود یا شواهد اندکی یافت می‌شوند که با آن‌ها به-تنبهایی نمی‌توان درستی یا قوت حدسی تاریخی را نشان داد؛ اما ممکن است قرائنی پیدا شوند که اگر کنار شاهد یا شواهد گذارده شوند، با آن‌ها اتصال معنایی برقرار کنند و یا حتی عناصری از پدیده را به شاهد تبدیل کنند و یافته‌ها و احتمالات تاریخی قوی‌تری حاصل شود.

۴. دوگانه‌های مطرح در منابع تاریخ معماری

۴-۱. منابع دست اول (Primary Sources) و دست دوم (Secondary Sources)
منابع از دو منظر به منابع دست اول و دوم تقسیم می‌شوند.

اولین معیار، زمان است و دومین معیار، اصالت منبع. از منظر نخست، منابعی را که در همان زمان رخداد تاریخی یا خلق اثر تاریخی (مثل ساخت بنا) شکل گرفته‌اند (در تاریخ معماری حداکثر تا یک قرن پس‌از آن) منابع دست اول و سایر منابع را که درباره اثر، بعداً نوشته یا تهیه شده‌اند، منابع دست دوم می‌گویند. دومین معیار، تقدم و تأخر منابع است (Umberto 1996). منابعی که در تحقیقات تاریخی مرجع قرار می‌گیرند، دست اول و منابعی که شرحی یا برداشتی یا بازخوانی یا تقریری از منبع نخست به شمار می‌روند، دست دوم تلقی می‌شوند. برای مثال کتاب معماری ایران اثر آرتور پوپ که با برداشت از ابنیه تاریخی و مشاهدات میدانی (در اینجا بنا به‌مثابه منبع مادی دست اول) تدوین شده است، منبع دست دوم محسوب می‌شود. حتی ترجمه‌ها نسبت به متن زبان اصلی، منبع درجه دوم محسوب می‌شوند (Umberto 1996)؛ مانند ترجمه رساله‌های تذکره البنیان و تذکره الابنیه به فارسی که نسبت به متن اصلی کتاب یک منبع دست دوم به شمار می‌رود. البته واضح است که در دسته‌بندی دوم نیز به‌نوعی معیار زمان، دوباره نقش دارد.

در قضاوت اولیه، منابع دست اول از نظر اعتبار، اهمیت بیش‌تری دارند. زیرا احتمال دخل و تصرف و تفسیر به رأی در آن کم‌تر از سایر منابع است. چنانچه هانوالتر کروفِت مورخ آلمانی در زمینه معماری و هنر، در کتاب خود می‌نویسد: «...مطالعه دقیق من باعث شد درباره صحت منابع دست دوم تردید کنم؛ پس نتیجه گرفتم که هر سخن مقبول باید بر پایه منابع اصلی بیان شود و به این باور رسیدم که درباره هیچ نکته‌ای چیزی ننویسم مگر آن‌که در صورت امکان به منبع اصلی رجوع کرده باشم» (Kruft - 1994). از این رو مشخص می‌شود که اکثر شواهد تاریخی نیز که وثوق و اطمینان بیشتری می‌توان از آن‌ها حاصل کرد، از این قبیل هستند. علی‌رغم سندیت و اعتبار و اتقان بیشتر منابع دست اول از حیث داده‌ها، از حیث استنباط و تحلیل های تاریخی، منابعی که با فاصله بیشتری نسبت به زمان حادثه یا با تأمل و بازخوانی منبع اصیل نگارش شده باشند، هرچند به‌عنوان منابع دست دوم تلقی می‌شوند اما بعضاً از

وجود دارند. برای نمونه در مقابل اکثر سفرنامه‌ها که نویسنده، گزارشی کلی از سفر با مواردی که توجه سیاح را جلب کرده‌اند، تهیه می‌کند و در حوزه معماری منابع عام محسوب می‌شوند، منابع تخصصی مانند کتاب غیاث‌الدین جمشید کاشانی در قرن نهم در باب قوس یا کتاب تاریخ باستان ایران، نوشته هرتسفلد در دوره معاصر نیز به چشم می‌خورند.

در خصوص منابع عام، این پژوهشگر است که با تیزهوشی و بنا بر مهارت‌های خود می‌تواند داده‌های مورد نیاز پژوهش را از آن منبع عام استخراج کند. در برخی پژوهش‌های تاریخی معماری دیده شده است که پژوهشگر از یک سفرنامه که به‌طور عمومی شهر و زندگی شهری را توصیف می‌کرده، اطلاعات تخصصی نابی در زمینه معماری استخراج کرده است.

باید توجه داشت که تخصصی بودن منبع نیز کاملاً نسبی است و بستگی به موضوع و مسئله پژوهش و تخصص پژوهشگر دارد. برای مثال سفرنامه هوگو گروته قوم‌شناس، در عین حال که قالبی عام دارد و روایتی از سفر وی به ایران است، نگاه پژوهشگرانه و تحلیل‌های قوم‌شناسانه وی نسبت به جامعه ایران را در دل خود جای داده است و از این حیث، متنی تخصصی محسوب می‌شود. حال اگر پژوهشگری بخواهد نگاه سفرنامه نویسان غربی در مورد معماری ایران را مورد مطالعه قرار دهد، متن فوق متن دست اول و غیرتخصصی به حساب می‌آید. از سوی یکدیگر، یک پژوهشگر معماری نسبت به این منبع، فردی غیرمتخصص است، در حالی که یک پژوهشگر قوم‌شناس، فردی متخصص در رابطه با این منبع به شمار می‌رود. در شکل ۲، نسبت پژوهشگر با منبع از دریچه تخصص وی و تخصصی بودن منبع در سه حالت، به تصویر کشیده شده است. آنجا که پژوهشگر تاریخ معماری با متن تخصصی معماری مواجه می‌شود، یا وقتی که همان پژوهشگر با متنی تخصصی در حوزه‌ای دیگر (مثلاً قوم‌شناسی) سروکار پیدا می‌کند، یا زمانی که پژوهشگر تاریخ معماری با منبعی غیرتخصصی (مثل اکثر سفرنامه‌ها) روبه‌رو است.

اهمیت، دقت و همه‌جانبه‌نگری بیشتری برخوردار هستند. از این رو است که استفورد در این رابطه می‌گوید: «منابع دست اول برای ما "معرفت افقی" و منابع دست دوم "معرفت عمودی" را القا می‌کنند؛ مراد از معرفت افقی، معرفت به چیزی است که حدوداً در همان زمان جریان داشته است. مراد از معرفت عمودی، معرفت به چیزی است که قبل و بعد واقع شده است» (Stanford 2005).

برای مثال، کروکی که یک جهانگرد در زمان ساخت بنای عالی‌قاپوی اصفهان از آن زده است یا مطلبی که در مورد آن نوشته است منبع دست اول است، ولی در صورت مراجعه به کتاب‌های تاریخ‌نگاری نوشته شده معاصر درباره عالی-قاپو، با وجود این که ممکن است بسیار ارزشمند باشند، منبعی دست دوم هستند. بناها (اساساً بقایا) منابع دست اول مطالعات تاریخی معماری هستند، هرچند که این دسته‌بندی در مطالعات عام تاریخی، بیشتر در مورد منابع مکتوب موضوعیت دارد. در مورد بناهایی که در بازه زمانی طولانی ساخته شده‌اند، مثل مسجد جامع اصفهان، باید در دسته بندی منابع دسته اول و دسته دوم، دقت بیشتری کرد که درباره کدام بخش از بنا صحبت می‌شود و آن بخش، معاصر کدام منبع است. قابل ذکر است که درجه اول و دوم بودن منبعی امری نسبی است و نسبت به موضوع پژوهش، سنجیده می‌شود؛ برای مثال تاریخ‌نامه‌ای که در دوران صفوی نوشته شده باشد، نسبت به موضوعات هم‌دوره خودش دسته اول و نسبت به دوران قبل از خود مثل دوره تیموریان و ایلخانیان منبع دست دوم محسوب می‌شود.

۲-۴. منابع تخصصی و عام

منابع تخصصی، منابعی هستند که توسط یک متخصص در مورد موضوعی خاص تولید شده‌اند؛ در مقابل، منابع زیادی وجود دارند که در مورد مسئله مورد نظر، نگاه تخصصی نداشته‌اند و به همین دلیل یک منبع عام محسوب می‌شوند. هر چند منابع تخصصی تاریخی در حوزه معماری ایران نادر هستند اما در حوزه‌های همسایه معماری مانند هندسه و ریاضیات یا فتوت‌نامه‌ها یا در دوره اخیر منابع تخصصی

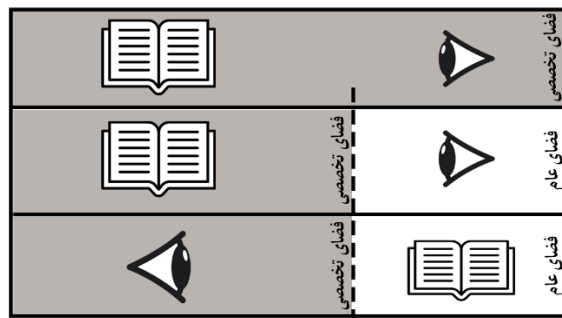
پژوهش «باغ سعادت‌آباد اصفهان در آینه مثنوی گلزار سعادت» (Shahidi Marnani 2015) با محوریت یکی از انواع کمتر دیده‌شده منابع مکتوب یعنی متون منظوم، به بازشناسی باغ سعادت‌آباد پرداخته شده است.

نکته مهم در مورد منابع هنری این است که به واسطه ذات هنر که در پرده و پیچیده و با کنایه و اشاره و ... صحبت می‌کند، کشف و استخراج داده‌ها دشواری خاص خود را دارد و مهارت‌های ویژه‌ای را در خوانش بیان هنری به کار گرفته شده، طلب می‌کند. به تعبیری دیگر، فرایند یافتن داده‌ها را خاص و مستلزم به‌کارگیری رویکردهای تأویلی و تفسیری می‌کند.

۴-۴. منابع مستقیم (صریح) و منابع غیرمستقیم (ضمنی)

منابع در مواردی به‌صورت مستقیم و در مواردی به‌طور ضمنی سخن می‌گویند. به عبارتی، هرچه منبع، پیامش در مورد موضوع موردنظر پنهانی و غیر آشکار باشد و یا از ظاهر آن نتوان به اطلاعات موردنظر دست‌یافت، نیاز به تفسیر و تعمق بیشتری دارد و بنابراین، از آن به منابع غیرمستقیم تعبیر شده است. اگر منبع، اطلاعات سراسر است، مستقیم و آشکاری در مورد موضوع پژوهش ارائه دهد، منبع مستقیم و یا صریح گفته می‌شود. بدین ترتیب یک منبع الزاماً اطلاعات صریح و یا ضمنی ارائه نمی‌دهد، بلکه عامل تعیین‌کننده، موضع پژوهشگر و موضوع پژوهش است.

به‌عنوان مثال، در پژوهش «بازنمایی بنای قاجاری مدرسه دارالفنون با تکیه بر اسناد تصویری» (Mousavi 2019) از منابع تصویری (عکس و نقشه‌های تاریخی) این بنا برای بازنمایی بنای ازبین‌رفته مدرسه دارالفنون استفاده شده است و با بهره‌گیری از اصول پرسپکتیو و به‌وسیله نرم‌افزار، این اطلاعات پردازش شده و به تصاویر سه‌بعدی بنا منجر شده است. این منابع تصویری در این پژوهش، حکم منابع مستقیم را دارند. در کنار عکس و نقشه‌های تاریخی از متون غیرمستقیم مانند خاطرات افراد که طبیعتاً با هدف



تصویر ۲: نسبت پژوهشگر و منبع از دریچه تخصص.

Fig. 2: The relationship between researcher and resource in view point of proficiency

۳-۴. منابع هنری (Artistic sources) و غیرهنری

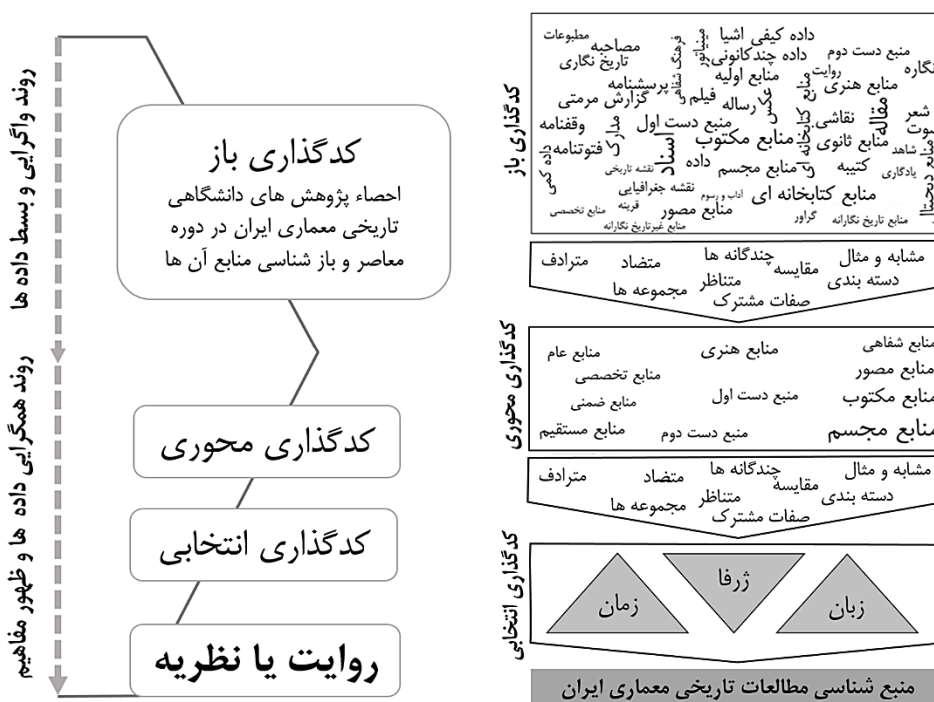
منابع را از نظر زبان ارائه و قالب بیانی می‌توان به دو دسته کلی و به عبارت بهتر، روی طیفی که دو سر آن هنری و غیرهنری است، تعریف کرد. یک منبع غیر هنری شامل هرآن چیزی است که به‌منظور مستند کردن و انتقال پیامی به مخاطب عام در ساده‌ترین سطح زبانی باشد و تلاشی برای بخشیدن جذابیت و زیبایی به پیام آن از جانب مؤلف صورت نگرفته باشد. یک اثر معماری مانند چهل‌ستون یا عالی‌قاپو، فارغ از آموزه‌ها و داده‌های بسیاری که در زمینه‌های مختلف از زمانه خود به ما می‌دهند، از زیبایی بهره‌مند است که مخاطب را به خود جذب می‌کند؛ شاید یک خانه گلی ساده روستایی هم آموزه‌های بسیاری برای اهل فن در حوزه‌های مختلف داشته باشد ولی در نسبت با آثار هنرمندانه معماری ایران، ممکن است از آن غلظت هنری برخوردار نباشد. در منابع شفاهی هم این موضوع مصداق دارد و افرادی که به هنر سخنوری و فن بیان مسلط هستند، شیوه بیانی هنرمندانه‌ای دارند. در منابع مکتوب نیز، فارغ از محتوا، بهره گرفتن از صنایع ادبی می‌تواند متن را دل‌نشین و احساسات مخاطب را تهییج کند؛ تفاوتی که در نثر تاریخ بیهقی با سایر تواریخ وجود دارد، کاملاً مشخص است. اخیراً در پژوهشی با عنوان "بازتاب معماری و شهرسازی دوران غزنویان در تاریخ بیهقی" این کتاب، منبع مطالعات تاریخ معماری قرار گرفته است. مثال دیگر آن‌که شعر به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین اشکال سخن در ایران، از اهمیت ویژه‌ای در مطالعات تاریخی معماری دارد. در

فرایند تحلیل روش نظریه‌مبنایی و با توجه به روند انجام کدگذاری به‌خصوص پس از فرایند کدگذاری محوری و انتخابی که در روندی همگرا به دسته‌بندی داده‌ها می‌پردازد، ذیل مفاهیم محوری و مشترک، سه دال اصلی "زمان"، "زمان" و "ژرفا" شناسایی شد تا بر اساس آن‌ها بتوان صورت‌بندی جدیدی را در منابع مطالعات تاریخی معماری ارائه داد.

توصیف مستقیم بنا نوشته نشده ولی به‌عنوان بستر خاطرات به بنا نیز اشاره شده، به‌عنوان منابع مکمل استفاده شده است تا تصویری جامع‌تر از بنای فوق ارائه شود.

5. گونه‌بندی منابع مطالعات تاریخی معماری

بنا بر مطالعات انجام‌شده در ادبیات موضوع و پژوهش‌های احصاء شده در زمینه مطالعات تاریخی معماری ایران، تحلیل و کدگذاری این پژوهش‌ها صورت گرفت که نمونه‌ای از آن در قالب جدول یک ارائه شده است. بر مبنای



تصویر ۳: فرایند احصاء مفاهیم کلیدی در انتظام منابع تاریخی معماری ایران

Fig. 3: The process of key concept exploring to organize architectural historical resources.

دارد. دومین مفهوم، مربوط به رابطه زمانی و هم‌زمانی یا غیر هم‌زمانی منبع موردنظر با پدیده و موضوع موردپژوهش است. منابع، حسب دوری یا نزدیکی به رخداد یا پدیده تاریخی موضوع پژوهش می‌توانند طبقه‌بندی شوند. اگر این دو مفهوم اشاره شده را مفاهیم شکلی تلقی کنیم که به نحوه ظهور یا زمان ظهور منبع تمرکز دارند، مفهوم سوم، بر محتوا دلالت دارد و به ژرفای محتوای منبع می‌پردازد. عمق معنایی و لایه‌های محتوایی یک منبع می‌تواند به‌طور کامل متفاوت از دیگری

اولین مفهومی که بارز است به نوع بیان این منابع درباره معماری بر می‌گردد. منابع جنس و ویژگی‌های خاص خود را بنابر زبان ویژه و شکل بیانی‌شان دارند. برخی عامیانه یا فنی صحبت می‌کنند و برخی دیگر شفاف یا در پرده، با رمز گونگی خاصی صحبت می‌کنند. موضوعات تاریخی معماری نیز در این زمینه نقش دارند؛ آنجا که صحبت از مباحث نظری و بنیان‌های فکری و اعتقادی است، نحوه بیان به یک شکل است و آنجا که از حساب و هندسه صحبت می‌شود، ماهیت بیانی گونه‌ای دیگر

فوق‌الذکر، سه دال اصلی هستند که می‌توان به‌وسیله آن‌ها انواع منابع تاریخ معماری را سازمان‌دهی کرد. به عبارتی سه مفهوم:

(الف) زبان بیان منبع (شکل بیان)

(ب) فاصله زمانی منبع با موضوع (زمان بیان)

(ج) ژرفای منابع (عمق بیان)

مکمل یکدیگر در شناخت ابعاد و سطوح منابع تاریخی به‌خصوص در مطالعات تاریخی معماری هستند. در مقام یک فرا تحلیل همه انحنا گونه‌بندی و دسته‌بندی‌های انجام‌شده پیشین نیز به نحوی از این سه دال پیروی می‌کنند و به بخشی از آن می‌پردازند. در ادامه، بر مدار این سه مفهوم، منابع مطالعات معماری ایران دسته‌بندی شده‌اند.

باشد؛ طیفی از منابع سطحی تا عمیق به لحاظ ارائه محتوای داده‌ها ناظر بر این ادعا است. برای مثال، در پژوهشی با عنوان «تاریخ معماری بر اساس نظر متفکران مسلمان با تأکید بر آراء ابن خلدون» (Zarei 2012)، مقدمه ابن خلدون یک منبع با ژرفای بالا (عمیق) محسوب می‌شود که در سطوح نظری و مبانی، حاوی داده‌های نابی در فرایند تحول و تطور معماری ایران است. در مقوله ژرفا، مباحث پیچیده‌ای چون اهلیت صاحب اثر، صلاحیت وی از حیث سواد، تجربه، همین طور عقاید و اغراض شخصی مولد اثر یا موثر بر صاحب اثر و سایر ملاک‌هایی که دال بر صحت و میزان درستی محتوای یک منبع از یکسو و عمق معنایی آن از سوی دیگر است، نیز مطرح می‌شود.

بنابراین مستند بر فرایند استقرایی طی شده و تحلیل پژوهش‌های صورت گرفته (شکل ۳)، سه مفهوم

جدول ۱: نمونه‌هایی از پژوهش‌ها و روش بررسی آن‌ها

Table 1: Examples of researches and method of exploring them

منابع تکمیل	ضمینی / صریح	تخصصی / عام	دست اول / دست دوم	مصادق	منابع اصلی	عنوان پژوهش	مشخصات پژوهش	
سفرنامه / کتاب تاریخی	صریح	عام	دست اول	شعر	مکتوب	باغ سعادت‌آباد اصفهان در آینه مثنوی گلزار سعادت تابستان ۱۳۹۴ - نازنین شهیدی مارنانی	دو فصلنامه معماری ایرانی (مطالعات معماری ایران)، شماره ۹ - بهار و تابستان ۱۳۹۴ - نازنین شهیدی مارنانی	۱
کتاب تاریخی و خاطرات / مقالات و کتب دست دوم	ضمینی	عام	دست اول	نقشه و عکس	مصور	بازنمایی بنای قاجاری مدرسه دارالفنون با تکیه بر اسناد تصویری	فصلنامه علمی معماری و شهرسازی (صفه)، شماره ۸۸ - بهار ۱۳۹۹ سیده بشری موسوی	۲
نقشه / کتب دست دوم / عکس / کتب دست دوم / پایان‌نامه و مقاله	ضمینی و صریح	عام و تخصصی	دست دوم / دست اول	کتاب تاریخی	مکتوب / مصور	مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی و کارکردی میدان صاحب آباد تبریز و میدان نقش جهان اصفهان در ادوار تاریخی	فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۲ - بهار ۱۳۹۸ - عیسی حجت، آریتا بلالی اسکویی و ثنا یزدانی	۳
مقالات / کتب دست دوم	صریح	تخصصی	دست اول / دست دوم	بنا	مجسم	تبیین رابطه معنی‌دار بین الگوهای آرایش‌دهنده و ساختاردهنده در میل‌ها و آرامگاه‌های برجی خطه خراسان (غزنوی و سلجوقی)	پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۶ - بهار ۱۳۹۹ مهسا رضازاده، ایرج اعتصام، حامد کامل‌نیا و احمدمیرزا کوچک خوشنویس	۴
پژوهش‌ها و کتب دست دوم	ضمینی و صریح	عام و تخصصی	دست اول / دست دوم	نقشه / کتاب تاریخی	مصور / مکتوب	بازشناسی فرم معماری کاخ هشت بهشت تبریز جایگاه آن در روند شکل‌گیری	باغ نظر، شماره ۴۴ - بهمن ۱۳۹۵	۵

						نمونه‌های ایران و سرزمین- های همجوار، طی قرون ۹ و ۱۰ ه.ق.	
۶	هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۲_تابستان ۱۳۹۴ محمدباقر کبیرصابر و مهناز پیروی	مراثب دگردیسی کالبدی در مسجد مظفریه تبریز؛ تحلیلی بر مبنای شناخت ساختاری لایه‌های تاریخی	مصور/ مکتوب	سفرنامه / نقشه/ عکس	دست اول	عام و تخصصی	صریح و ضمنی
۷	نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲۲، شماره ۲_تابستان ۱۳۹۶ مسعود وحدت‌طلب و امین نیکمرام	بررسی اهمیت، فراوانی و پراکنش رنگ قرمز در ارسن- های خانه‌های تاریخی ایران مورد پژوهی: ۲۲ تاج ارسن خانه‌های قاجاری تبریز	مجسم/ مصور/ مکتوب	اجزا بنا	دست اول/ دست دوم	تخصصی	صریح
۸	فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲۱_ زمستان ۱۳۹۷ سیدرسول موسوی‌حاجی، اسدالله جودکی عزیزی و سحر عبداللهی	پژوهشی در «کاخ جنوبی» و «کاخ میانی» در مجموعه معماری تشریفاتی لشکری بازار؛ بر اساس قرائن تاریخی، منابع ادبی و یافته‌های معماری	مکتوب/ مصور	عکس/ شعر/ نقشه	دست اول	عام	ضمنی و صریح
۹	نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۲۵، شماره ۴_ زمستان ۱۳۹۹ مریم شیروانی	تأثیر فرهنگ جامعه و کارکرد اثر در شکل‌گیری کالبد و تزیینات معماری بناهای زندیه با نگاهی بر عمارت دیوانخانه	مجسم/ مکتوب	بنا/ کتب دست دوم	دست اول/ دست دوم	تخصصی	صریح
۱۰	دو فصلنامه معماری ایرانی (مطالعات معماری ایران)، شماره ۱۴- پاییز و زمستان ۹۷ لادن اعتضادی و سعید گلستانی	بازیابی طرح و بازخوانی باغ- های ناشناخته ایران نمونه موردی: باغ نشاط نیشابور	شفاهی/ مکتوب/ مصور/ مجسم	عکس/ نقشه/ سایت/ مصاحبه	دست اول/ دست دوم	عام و تخصصی	ضمنی و صریح
۱۱	پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران؛ دانشگاه هنر اصفهان- یاسر سده‌دهی - ۱۳۹۵	بازشناسی و تحلیل الگوهای معماری تالارهای شاهان صفوی در شهر اصفهان	مکتوب	کتب تاریخی / کتیبه/ شعر	دست اول	عام و تخصصی	ضمنی
۱۲	پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری؛ دانشگاه هنر اصفهان غلامرضا جمال‌الدین اردکانی - ۱۳۹۴	جایگاه و شان معمار و پیشه معماری در دوره ایلخانی و تیموری	مکتوب	کتب تاریخی	دست اول	عام	ضمنی

۱-۵. گونه‌بندی منابع مطالعات تاریخی معماری از حیث زبان

یکی از اصلی‌ترین معیارها برای گونه‌بندی منابع تاریخ معماری ایران، جنس و زبان بیان است و شامل منابع مکتوب، منابع مصنوع (مادی یا مجسم)، منابع مصور و منابع مسموع (شفاهی) می‌شود.^۳ در همین راستا و از حیث نحوه درک منبع می‌توان منابع را به دو دسته منابع دیداری و شنیداری تقسیم کرد.^۴ منابع مکتوب مانند کتاب‌ها و رساله‌های تاریخ و همین‌طور منابع شفاهی مانند نشست

پای صحبت افراد مطلع، منابع آشناتری برای پژوهشگران هستند و زبان منابع نوشتاری و فهم منابع شنیداری بیشتر قابل درک و معمول است ولی یک پژوهشگر تاریخ معماری باید توانایی خوانش زبان تصویر، ترسیم، ابنیه و اشیاء تاریخی را نیز داشته باشد. برای مثال بناها و حتی اشیاء به‌مثابه منابع مصنوع تاریخ معماری، حاوی داده‌های ناب هستند که پژوهشگر باید سواد قرائت آن‌ها را داشته باشد. اهمیت آثار و ابنیه به‌عنوان منبع تا آنجایی است که گفته‌شده تاریخ هنرها و از جمله معماری، مسطور در

تر بدان اشاره شد، شامل منابع تخصصی یا عام، یا منابع هنری و غیرهنری و همین‌طور منابع مستقیم و غیر مستقیم نیز از حیث زبان بیان تفکیک شده‌اند.

هرچه به گذشته‌های دورتر برای مطالعه معماری تاریخی مراجعه شود، برخی از این انواع منابع کم‌رنگ‌تر شده و تبعاً منابع کم‌تری برای مطالعه موضوع در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد. منابع مادی از جمله خود ابنیه به‌عنوان شاهد، دیرینه‌ترین این منابع است و منابع شفاهی نزدیک‌ترین به پژوهشگر از نظر زمانی و دورتر به موضوعات موردنظر است و بیشتر شامل مطالعات معماری معاصر می‌شود. به عبارتی، هرچه پژوهشگر طیف و انواع مختلفی از این منابع را در اختیار داشته باشد، یعنی در پژوهش‌های مربوط به معماری‌های نزدیک‌تر به دوران معاصر، مطالعه جامع‌تر و کامل‌تری نسبت به موضوع می‌تواند انجام دهد.

کتاب‌ها نیست بلکه مندرج در آثار و ابنیه است (Samaran 1991).

از این منظر می‌توان منابع تاریخ معماری ایران را در یک دسته‌بندی کلی‌تر به دو دسته، مادی (مصنوع) و غیر مادی (مکتوب، مصور و مسموع) تفکیک کرد. در منابع مادی تبلور و تجلی عقاید، معیارها، ارزش‌ها و نیازهای انسان با استفاده از مواد خام طبیعی و به صورت غیر مستقیم مندرج است که در قالب مصادیقی گوناگون همچون معماری، لباس، ابزار معیشت، اسباب جنگ، وسایل تفریح، اشیاء زینتی و... جلوه می‌کند (Kitson Clark 1959). در مقابل، منابع غیرمادی چیزی سواى از اشیاء منقول و ابنیه غیرمنقول است و یک متن، تصویر، نقاشی، سخن و سایر شکل‌های بیانی را فارغ از اهمیت خاص مواد و مصالحی که آن‌ها را بیان و منتقل می‌کند (و عموماً کاغذ است) شامل می‌شود. جدای از دو دسته‌بندی ذکر شده، سایر دوگانه‌هایی که قبل-

جدول ۲: دسته‌بندی منابع از حیث جنس اطلاعات (Ghayyumi Bidhendi 2009)

Table 2: Categorizing resources in view point of their information

انواع منابع		
کتاب‌ها و رساله‌ها/ کتیبه‌ها/ اسناد رسمی/ اسناد شخصی/ مطبوعات و...	درجه اول	۱ منابع مکتوب
گزارش‌های مرمت/ باستان‌شناسی/ مردم‌نگاری/ تک‌نگاری/ تاریخ‌نگاری و...	درجه دوم	
بناها	۲ منابع مادی	
اشیاء خانگی/ آیینی/ ابزارهای مربوط به معماری	اشیاء	۳ منابع تصویری
نقشه‌های خرد و کلان	نقشه‌ها	
عکس‌ها		
ویدئو و فیلم		
نقش‌ها		
طرح‌های دستی و گراور		
سخنان اهل فن/ سخنان بهره‌برداران و شاهدان/ زبان	۴ منابع شفاهی	

و رابطه معکوس بین اعتبار منبع و میزان فاصله زمانی با موضوع، امری تأکید شده در مطالعات تاریخی معماری است.

توجه به فاصله زمانی منبع با پژوهشگر و موضوع پژوهش از معیارهای اصلی توجه به منابع و نحوه استفاده از آن‌ها است. هرچه در زمان به عقب‌تر پرداخته شود، گستردگی منابع و تنوع آن‌ها کم‌تر و در نتیجه، جستجو در آن سخت-

۲-۵. گونه‌بندی منابع از حیث زمان

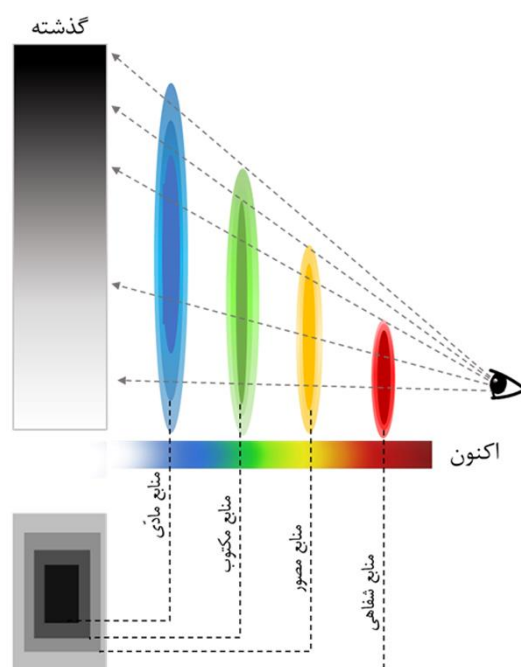
زمان، همان‌گونه که در دوگانه منابع دست اول و دست دوم به‌طور گسترده‌تر به آن پرداخته شد، از مهم‌ترین معیارهای تمیز و تفکیک منابع تاریخی به شمار می‌رود. زمان، پرتکرارترین مقوله‌ای بود که اکثر پژوهش‌های مورد تحلیل این مقاله بدان توجه داشتند؛ مواجهه آگاهانه با منابع از حیث زمان تولید و فاصله زمانی با رخداد یا پدیده تاریخی،

ساده صورت می‌پذیرد و گاه فهم درستی آن یا دریافت ابعاد و لایه‌های آن نیز نیاز به تعمق و به‌کارگیری ابزارهای شناخت ویژه‌ای دارد. البته که این ابتدایی بودن یا پیچیدگی لایه‌های متن به صاحب اثر برمی‌گردد. همان‌طور که اچ. کار نیز در جایی از کتاب معروف خود گفته است: «هیچ مدرکی قادر نیست بیش از فکر نویسنده‌اش چیزی بگوید» (Carr 1967).

مثالی ساده و ملموس تشخیص عمق میدان در نگارگری ایرانی (مینیاتور) است؛ علی‌رغم آنکه در نگاه نخست به نظر می‌رسد که در آن پرسپکتیو به معنی امروزی به کار نرفته است، متخصصان امر از نوعی پرسپکتیو عمودی در این نقاشی‌ها سخن به میان می‌آورند که بیانگر این است که هرچه عناصر بالاتر قرار بگیرند، دورتر و هرچه به پایین صفحه نزدیک‌تر باشند به معنای نزدیکی به نقاش بوده است (Saba 1998) و یا اینکه میزان بزرگنمایی، ارتباط مستقیمی با عمق محتوایی و نه ظاهری عناصر نقاشی دارد. برای نمونه متون ادبی نظم و نثر زبان فارسی چون شاهنامه در زمره ژرف‌ترین منابع مطالعات تاریخی معماری هستند که فهم لایه‌ها و بطون آن‌ها ساده نیست.

در بحث ژرفای منبع، مؤلفه‌هایی کلیدی وجود دارند. عقیده و نظر تولیدکننده منبع نسبت به پدیده تاریخ و همین‌طور "صلاحیت" و "اهلیت" وی بسیار مهم است. زیرا چه بسیار منابع که با زبان شیوا و فاصله زمانی کمی تولید شده‌اند ولی با اغراض خاص و یا با اطلاعات سطحی از واقعه یا پدیده تاریخی موردنظر تدوین شده‌اند. میزان شیفتگی یا مخالفت تاریخ‌نگار با موضوع یا داشتن علم و تجربه کافی از معیارهای مهم در حوزه ژرفای محتوایی منابع به شمار می‌روند. بحث اهلیت دلالت بر اعتقاد، نگاه عمیق و درونی تولیدکننده اثر به موضوع و بحث صلاحیت دال بر علم، تجربه و توانایی کافی وی است (Abbasi 2015). بنابراین منابع را از درجه ژرفای می‌توان به دوگانه‌های واجد یا فاقد اهلیت و صلاحیت و همین‌طور دوگانه موافق یا مخالف بودن مولد منبع با موضوع تاریخی تقسیم‌بندی کرد.

تر است. با توجه به نمونه‌های بررسی‌شده در مرحله کدگذاری نیز مشاهده می‌شود که هرچه به تاریخ معاصر نزدیک‌تر شویم، گستردگی منابع چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ تنوع بیشتر می‌شود. برای مثال پژوهش‌هایی که در خصوص معماری یک‌صد سال اخیر صورت می‌گیرند، چه از باب بناهای باقی‌مانده و در دسترس‌تر و چه از لحاظ منابع شفاهی که منابع منحصربه‌فرد موضوعات معاصر هستند، از کمیت و تنوع منابع بسیار بیشتری برخوردار هستند.



شکل ۴: هر چقدر موضوع پژوهش به عمق زمان گذشته نفوذ می‌کند تنوع منابع کمتر و تاریکی فضای جستجوی داده‌ها بیشتر می‌شود؛ گویی لنزهایی که به پژوهشگر کمک می‌کند که پدیده را شفاف‌تر ببینند، کمتر می‌شود.

Fig. 4: The farther the area of research subject goes deep to past, the lesser the variety and the darker the space to search for the data would be, as if the lenses for the researcher to see the phenomenon clearly decrease

۳-۵. گونه‌بندی منابع از حیث ژرفا

باید توجه داشت که منابع، دارای میزان متفاوتی از صحت و سقم و همین‌طور سطوح، ابعاد و غنای داده هستند؛ در ژرفا تمرکز بر این وجه منبع است. گاه محتوای یک داده آن‌قدر سطحی و تک لایه است که فهم آن توسط پژوهشگر

جدول ۳: گونه‌بندی منابع تاریخی معماری ایران از مناظر مختلف (کدهای احصاء شده)

Table 3: Typology of architectural historical research resources from different perspectives (achieved codes)

انواع منابع		معیار	رویکرد گونه بندی منابع	ردیف
دست دوم	دست اول	زمان	از حیث فاصله زمانی با موضوع	۱
دست دوم	دست اول	اصالت (زمان)	از حیث اصالت	۲
غیر تخصصی (عام)	تخصصی (فنی)	زبان	از حیث ارتباط با موضوع	۳
غیر هنری	هنری	زبان	از حیث نحوه بیان	۴
غیر مستقیم (ضمنی)	مستقیم (صریح)	زبان	از حیث نحوه بیان (۲)	۵
مسموع (شفاهی)	مکتوب	زبان	از حیث نحوه بیان (۳)	۶
مصور	مصنوع (مادی یا مجسم)	ادراک (زبان)	از حیث ادراک	۷
شنیداری	دیداری	ادراک (زبان)	از حیث ادراک	۷
فاقد اهلیت	واجد اهلیت	ژرفا	از حیث اهلیت مولد منبع	۸
فاقد صلاحیت	واجد صلاحیت	ژرفا	از حیث صلاحیت مولد منبع	۹
مخالف (موضوع)	موافق (موضوع)	ژرفا	از حیث عقیده مولد منبع	۱۰

نتیجه گیری

و مسموع و از منظری دیگر صریح یا ضمنی و همین‌طور تخصصی یا غیرتخصصی و سرانجام هنری و غیرهنری دسته‌بندی می‌شوند. از حیث زمان و اصالت، منابع به دو طبقه دست اول و دوم، تقسیم می‌شوند. نوع ادراک منابع هم عمدتاً شنیداری و دیداری شناسایی شد و دوگانه‌ای در این زمینه شکل گرفت. از باب ژرفا (محتوا)، دوگانه‌های واجد و فاقد صلاحیت، اهلیت و همین‌طور منابع موافق یا مخالف با موضوع، شناسایی شدند.

در کل، سه مفهوم کلیدی زبان، زمان و ژرفا به‌عنوان مبنای سازمان‌دهی و انتظام منابع پژوهش‌های تاریخی معماری شناسایی شدند که منجر به گونه‌بندی ده‌گانه‌ای شد که بدان پرداخته شد. این سه مفهوم و ده زیرمجموعه آن، سطوح و ابعاد متنوع منابع را شامل می‌شوند و ابزار مناسبی را برای شناخت، دسته‌بندی و اولویت‌بندی پژوهشگران در رجوع به منابع مطالعات تاریخی معماری ایران در اختیار قرار می‌دهند.

منبع، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تاریخ معماری دارد. آنجا که داده‌ها، برخلاف گونه‌های دیگر تحقیق، صرفاً از این طریق قابل احصاء هستند. منبع در این حوزه، محل حضور و ظهور داده‌ها (شواهد و قرائن) است که شامل شواهد مستقیم یک رخداد یا پدیده تاریخی می‌شود و یا قرائنی را در درون خود دارد که بدان آدرس می‌دهد. هرچند منابع تاریخ‌نگاری معماری در ایران بسیار نادر است اما از آنجاکه معماری ظرف زندگی محسوب می‌شود، تقریباً منبعی نیست که اطلاعاتی در خصوص معماری ارائه نکند و همین امر کار پژوهش در تاریخ معماری ایران را بسیار دشوار و لزوم نظامی در شناسایی و دسته‌بندی منابع این حوزه را دوچندان می‌کند.

بسته به نوع بیان، فاصله زمانی تا موضوع، صحت و سقم و میزان سطحی یا عمیق بودن و درجه اعتبار، می‌توان دسته‌بندی‌های متعددی را برای منبع در حوزه مطالعات تاریخی معماری ایران تعریف کرد که عموم آن‌ها دوگانه هستند. از حیث نوع بیان، منابع شامل مکتوب، مادی، مصور

پی‌نوشت‌ها

۱. ذیل عنوان بینامتنیت در حوزه تفسیر و نقد متن به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است که برای اطلاعات بیشتر می‌توان به آن رجوع کرد. در اینجا منبع در شکل عامش حتی یک بنا یا یک فرد مطلع به مثابه متن تلقی می‌شود.

2. Albert Louis Hugo Grothe (1869_1954)

۳. اصطلاح منابع مصنوع و منابع مسموع را اولین بار از دکتر محمدرضا اولیاء، عضو هیئت‌علمی بازنشسته دانشگاه یزد شنیدم.
 ۴. سایر حواس مانند لامسه و حتی بویایی نیز در استخراج داده از منابع (در اینجا منابع مادی مانند ابنیه) می‌توانند نقش داشته باشند ولی چون خیلی معمول و رایج نیستند ذکری از آن‌ها در متن نشده است.

فهرست منابع

ابویی، رضا و ذات‌الله نیکزاد. ۱۳۹۶. حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری؛ با نگاه به تجربه حفاظت در ایران. مطالعات معماری ایران. ش. ۱۱: ۱۶۹-۱۸۸.

استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت. اصول و روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. ۱۳۸۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

استنفورد، مایکل. ۱۳۸۴. درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی علی‌آبادی. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
 اعتضادی، لادن و سعید گلستانی. ۱۳۹۷. بازیابی طرح و بازخوانی باغ‌های ناشناخته ایران؛ نمونه موردی: باغ نشاط نیشابور. مطالعات معماری ایران. ش. ۱۴: ۲۱-۴۶.

اومبر، توکو. ۱۳۷۵. چگونه می‌توان یک پایان‌نامه تحصیلی نوشت. ترجمه غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
 جمال‌الدین اردکانی، غلامرضا. ۱۳۹۵. جایگاه و شأن معمار و پیشه معماری در دوره ایلخانی و تیموری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان

حجت، عیسی و دیگران. ۱۳۹۸. مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی و کارکردی میدان صاحب آباد تبریز و میدان نقش جهان اصفهان در ادوار تاریخی. ش. ۲۲: ۲۱-۴۴.

حیدرخانی، مریم. ۱۳۹۴. نقاشی ایرانی در مقام منبع تاریخ معماری ایران. مطالعات معماری ایران. ش. ۷: ۱۵۱-۱۶۳.

حیدری، شاهین. ۱۳۹۲. درآمدی بر روش تحقیق در معماری. تهران: فکر نو.

خانی پور، رضا. ۱۳۸۳. کتیبه و کتیبه‌نگاری. کتاب ماه هنر. ش. ۷۷ و ۱۶۱: ۷۸-۱۶۴.

دهخدا، لغتنامه، ذیل واژه منبع.

رضازاده، مهسا و دیگران. ۱۳۹۹. تبیین رابطه معنی‌دار بین الگوهای آرایش‌دهنده و ساختاردهنده در میل‌ها و آرامگاه‌های برجی خطه خراسان (غزنوی و سلجوقی). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. ش. ۱۰۳: ۲۶-۱۲۵.

زارعی، محمدادی. ۱۳۹۱. بازتاب معماری و شهرسازی دوران غزنویان در تاریخ بیهقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.

ساماران، شارل. ۱۳۷۰. روش‌های پژوهش تاریخ. جلد دوم. ترجمه ابوالقاسم بی‌گناه و غلامرضا ذات‌علیان. تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

سه‌دهی، یاسر. ۱۳۹۵. بازشناسی و تحلیل الگوهای معماری تالارهای شاهان صفوی در شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان.

شهیدی مارتانی، نازنین. ۱۳۹۴. باغ سعادت‌آباد اصفهان در آینه مثنوی گلزار سعادت. مطالعات معماری ایران. ش. ۹: ۶۷-۷۴.

شیروانی، مریم. ۱۳۹۹. تأثیر فرهنگ جامعه و کارکرد اثر در شکل‌گیری کالبد و تزیینات معماری در بناهای زندیه با نگاهی بر عمارت دیوان‌خانه. نشریه هنرهای زیبا. ش. ۴: ۲۷-۳۴.

صابری، نعیمه. ۱۳۹۶. تاریخ معماری بر اساس نظر متفکران مسلمان با تأکید بر آراء ابن خلدون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر

اصفهان.

- صبا، سیاوش. ۱۳۷۷. پرسپکتیو-مینیاتور. نشریه مطالعات هنرهای تجسمی. ش. ۱: ۱۶۰-۱۶۴.
- عباسی هرخته، محسن. ۱۳۹۴. شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران. یزد: دانشگاه یزد.
- علائی، سیروس. ۱۳۷۱. نظری به نقشه‌های قدیمی ایران. مجله ایران‌شناسی. ش. ۱۴: ۲۶۹-۳۰۱.
- عمید، لغتنامه. ذیل واژه شاهد.
- فلیک، اووه. ۱۹۵۶. درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. ۱۳۹۳. تهران: نشر نی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. ۱۳۵۰. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی ایران. تهران: انجمن آثار ملی.
- قیومی بیدهندی، مهرداد. ۱۳۸۸. سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آن‌ها. گلستان هنر. ش. ۱۵: ۵-۲۰.
- گلیجانی، نسرین. ۱۳۸۲. تاریخ‌شناسی معماری ایران؛ طرح رویکردی جدید با توجه به کاستی‌های تاریخ‌نگاری معماری ایران. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- کار، ای. اچ. ۱۳۷۸. تاریخ چیست؟ ترجمه حسن کامشاد. تهران: خوارزمی، چاپ پنجم.
- کبیر صابر، محمدباقر و مهناز پیروی. ۱۳۹۴. مراتب دگردیسی کالبدی در مسجد مظفریه تبریز؛ تحلیلی بر مبنای شناخت ساختاری لایه‌های تاریخی. ش. ۷۲-۲: ۵۹-۷۲.
- کبیر صابر، محمدباقر و یوسف زینالزاده. ۱۳۹۶. روایت معماری در بیان عکاسی؛ مراتب معنا در عکس معماری. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی. ۴(۲۲): ۷۵-۸۶.
- موسوی، سیده بشری. ۱۳۹۸. بازنمایی بنای قاجاری مدرسه دارالفنون با تکیه بر اسناد تصویری. صغه. ش. ۸۸: ۱۰۷-۱۳۹.
- موسوی حاجی، سید رسول. ۱۳۹۷. پژوهشی در «کاخ جنوبی» و «کاخ میانی» در مجموعه معماری تشریفاتی لشکری بازار؛ بر اساس قرائن تاریخی، منابع ادبی و یافته‌های معماری. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. ش. ۲۱: ۳۷-۶۴.
- میرزایی، معصومه. ۱۳۹۵. بازشناسی فرم معماری کاخ هشت‌بهشت تبریز جایگاه آن در روند شکل‌گیری نمونه‌های ایران و سرزمین‌های همجوار، طی قرون نهم و دهم قمری. باغ نظر. ش. ۷۷: ۴۴-۵۸.
- نامورمطلق، بهمن. ۱۳۸۲. اسطوره‌زدایی و اسطوره‌پردازی-کاخ خورنق در نگاه نظامی و بهزاد. کتاب ماه هنر. ش. ۶۳ و ۶۴: ۴۸-۵۷.
- وانگ، دیوید، و لیندا گروت. ۲۰۰۲. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی فر. ۱۳۹۴. تهران: دانشگاه تهران. واحدی فرد، سعید.
- وحدت‌طلب، مسعود و امین نیکمرام. ۱۳۹۶. بررسی اهمیت، فراوانی و پراکنش رنگ قرمز در ارسی‌های خانه‌های تاریخی ایران؛ مورد پژوهی: ۲۲ تاج ارسی خانه‌های قاجاری تبریز. نشریه هنرهای زیبا. ش. ۲: ۸۷-۹۷.
- والتر کرافت، هانو. ۱۳۹۹. تاریخ تئوری معماری جلد اول از دوران باستان تا قرن شانزدهم. ترجمه پویان روحی. تهران: کتابکده کسری. چاپ اول.

منابع انگلیسی

- Abbasi Herafteh, Mohsen. 2015. A description of the tradition of architectural protection in Iran. Yazd: Yazd Univ. press. [In Persian].
- Abuyi, Reza and Zatollah Nikzad. 2017. Architectural conservation and its relationship with architectural history; Looking at the experience of conservation in Iran. Iranian Architecture Studies 11:169-188. [In Persian].
- Alaei, Sirous. 1992. Old maps of Iran. Iranology 14:269-301. [In Persian].
- Carr, E. H. 1967. What is history? Translated by Hasan Kamshad. Tehran: Kharazmi press.
- Etezadi, Ladan and Saeed Golestani. 2018. Retrieving the design and re-reading the unknown gardens of Iran; Case study: Neyshabur Neshat Garden. Iranian Architecture Studies 14:21-46. [In Persian].
- Flick, Uwe. 1956. An Introduction to Qualitative Research. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney press. [In Persian].
- Ghayyumi Bidhendi, Mehrdad. 2009. An introduction of the written sources of the history of Iranian architecture and the method of searching in them. Golestan Honar 15:5-20. [In Persian].
- Goleyjani, Nasrin. 2003. historiology of Iranian Architecture; A new approach according to the defects of Iranian architectural historiography. Tehran: Tehran Univ. press. [In Persian].
- GhaemMaghami, Jahangir. 1971. An Introduction to the Recognition of Iranian Historical Documents. Tehran: National Art works Association. [In Persian].

- Heidegger, Martin. 1950. *Work of Art History*. Translated by Parviz Zia Shahabi. Tehran: Hermes. [In Persian].
- Heydari, Shahin. 2013. *Introducing research method in architecture*. Tehran: Fekre No press. [In Persian].
- Heydarkhani, Maryam. 2015. Iranian painting as a source in the history of Iranian architecture. *Iranian Architecture Studies* 7:151-163. [In Persian].
- Hojjat, Isaa and others. 2019. Comparative study of the physical and functional structure of Saheb Abad Square in Tabriz and Naghsh Jahan Square in Isfahan in historical periods. *Islamic Architecture Research* 22: 21-44. [In Persian].
- Jamaleddin Ardakani, Gholamreza. 2015. Position and dignity of architect and architectural profession in the Ilkhanid and Timurid period. Ms diss. Art university of Isfahan. [In Persian].
- Kabir Saber, Mohammad Bagher and Mahnaz Peyravi. 2015. Levels of physical transformation in Mozaffariyeh Mosque, Tabriz; An analysis based on the structural knowledge of historical layers. *Fine Arts* 2:59-72. [In Persian].
- Kabir Saber, Mohammad Bagher and Yusef Zeynalzadeh. 2017. Architectural narrative in the expression of photography; meanings of architectural photography. *Fine Arts_ Visual arts* 4(22):75-86. [In Persian].
- Khanipour, Reza. 2004. Inscription and inscriptionography. *Mahe Honar* 77&78: 161-164. [In Persian].
- Kruft, H.W. 1994. *A History of Architectural Theory: From Vitruvius to the Present*. Translated by Pouyan Rouhi. 2020. Tehran: Kasra Ketabkade. [In Persian].
- Mousavi, Boshra. 2019. Representation of the Qajar building of the Dar al-Fonun school based on visual documents. *Soffeh* 88: 107-139. [In Persian].
- Mirzayi, Masoumeh. 2016. Recognition of the architectural form of Hasht Behesht Palace in Tabriz, Its place in the process of forming samples of Iran and neighboring lands during the ninth and tenth Hijri centuries. *Bagh Nazar* 44:77-88. [In Persian].
- Mousavi Haji, Rasoul. 2018. Research in the "South Palace" and "Middle Palace" in the military ceremonial architecture complex of the Lashkari Bazaar; Based on historical evidences, literary sources and architectural findings. *Islamic Architecture Researches* 21:37-64. [In Persian].
- Namvar Motlagh, Bahman. 2003. De-mythologizing and myth-making-Khornagh Palace in the view of Nezami and Behzad. *Mah hovar* 633&64: 48-57. [In Persian].
- Rezazadeh, Mahsa, Iraj Etesam, Hamed Kamelnia and Ahmad Mirza Koochak Khoshnevis. 2020. Explaining the Significant Relationship between Decorating and Structuring Patterns in Towers and Tomb Relics of Khorasan Region (Ghaznavid and Seljuk). *Islamic Architecture Research* 26: 103-125. [In Persian].
- Saba, Siavash. 1998. *Perspective_ Miniature*. *Visual Arts* 1:160-164. [In Persian].
- Saberi, Naeemeh. 2017. History of architecture based on the Theories of Muslim philosopher with focus on the theories of Ibn Khaldun. [In Persian].
- Samaran, Charles. 1991. *History research methods*. Vol. 1. Translated by Abolghasem Bigonah and Gholamreza ZaatAlian. 1991. Tehran: Cultural Deputy of Astan Quds Razavi. [In Persian].
- Sedehi, Yaser. 2016. Recognition and analysis of architectural patterns of »Talar: Hall« of Safavid kings in Isfahan. [In Persian].
- Shahidi Marnani, Nazanin. 2015. Saadatabad Garden of Isfahan in the mirror of Golzar Saadat Masnavi. *Iranian Architecture Studies* 9:67-74. [In Persian].
- Shirvani, Maryam. 2020. The effect of community culture and the function of the work in the formation of the body and architectural decorations in Zandieh buildings with a look at the Divankhaneh mansion. *Fine arts* 4: 27-34. [In Persian].
- Strauss, Anselm and Juliet corbin. *Basics of Qualitative: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. translated by Biyuk Mohammadi. 2006. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Stanford, Michael. 2005. *A Companion to the Study of History*. Translated by Masuod Sadeghi Aliabadi. Tehran: Samt press. [In Persian].
- Vahdattalab, Masoud and Amin Nikmaram. 2017. Investigating the importance, frequency and distribution of red color in the Orosi of historical houses of Iran; Case study: 22 Orosi crowns of Qajar houses in Tabriz. *Fine Arts* 2:87-97. [In Persian].
- Wong, David and Linda Grout. 2002. *Research Methods in architecture*. Translated by Alireza Eynifar. Tehran: Tehran Univ. press. [In Persian].
- Zarei, Mohammadhadi. 2012. Reflection of architecture and urban planning of the Ghaznavid era in the historiography of Bayhaqi. Ms diss., Mohagheghi Ardebili Univ. [In Persian].